

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۳ برابر ۱۲ نوامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۲

قطعه نامه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

مالکی به الغاء آن منجر نشد.
۲- انقلاب با شرکت همه اقشار و طبقات ملی و دموکراتیک به نیروی توده های ده ها - میلیونی رزمندگان به پیروزی رسید و نیروی طبقه کارگر در این پیروزی نقش تعیین کننده داشت. بخشی از روحانیت به رهبری آیت الله خمینی گسترده ترین نفوذ را در میان توده های وسیع بقیه در صفحه ۲

۱- انقلاب ۲۲ بهمن از نظر سمت اصلی حرکت یک انقلاب ضد سلطنتی - ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیعترین اقشار خلق، اشکال مبارزه و خواسته های مبتنی بر تأمین عدالت اجتماعی یک انقلاب مردمی بود.
انقلاب در مرحله سیاسی متوقف ماند.
اقدامات ضد سرمایه داری در این انقلاب گسترش نیافت و تعرض علیه کلان سرمایه داری و بزرگ

رای قاطع خلق نیکاراکوئه به جبهه رهایی بخش ملی ساندینیست

روز یکشنبه چهارم نوامبر خلق نیکاراکوئه برای نخستین بار در تاریخ خود در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک شرکت کرد. انتخابات برای تعیین رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور و نمایندگان مجلس موسسان ۹۰ نفره این کشور انجام گرفت. دوره ریاست جمهوری در نیکاراکوئه ۶ سال تعیین شده است.

علیرغم ریزش شدید باران، ساعتها قبل از ۷ صبح، زمان گشایش حوزه های رای گیری، ده ها هزار نفر در برابر محل های استقرار صندوق های رای صف بسته بودند. در مناطق عملیاتی گروه های ضد انقلابی تحت حمایت آمریکا نیز، رای گیری مانند سایر مناطق انجام گرفت.

دانیل اورتگا، هماهنگ کننده شورای دولتی و نامزد جبهه رهایی بخش ملی بقیه در صفحه ۴



دانیل اورتگا هنگام انداختن رای خود در صندوق

☆☆☆

مصاحبه "اکثریت"

با یکی از اعضای رهبری جبهه ملی
وحدت، رمز پیروزی انقلاب نیکاراکوئه

در صفحه ۴

تصویرهای خون آلود

جند خاطره از زندان در صفحه ۶

پیام کمیته تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت برگزاری پلنوم کمیته مرکزی

رفته است، برای ما مایه غرور و افتخار است. و حدت و انسجام رهبری سازمان ما که در پلنوم کمیته مرکزی جلوه تازه ای یافته است، نشانه دیگری از استحکام و یکپارچگی صفوف فدائیان خلق است. اکنون پسران گذر از آزمون های سترگ، در حالیکه همه تشبثات ردیلانه دشمنان نتوانسته است هیچگونه خللی در استحکام پولادین سازمان ما وارد سازد، حضور رزمجویانه فدائیان خلق در سراسر کشور و در هر آن جایی که عشق به میهن و رزمندگان وجود دارد، مخازن چشم سوم امپریالیسم و ارتجاع است.

در برابر سبانه ترین سرکوب های مرتجعین، سازمان ما یکبار دیگر نشان داد که هم چون همیشه اردوئی از قهرمانان جانباست. بقیه در صفحه ۲

رفقای ارجمند!

انتشار خبر برگزاری پیروزمندانه پلنوم کمیته مرکزی و نتایج گرانقدر آن، در میان فعالین و هواداران سازمان در خارج از کشور موجی از شور و شغف برپا کرد. بی گمان برگزاری پیروزمندانه پلنوم کمیته مرکزی، نشانه بارز ظفرمند - ی سازمان پر افتخار ما، در برابر دشمنان کینه توزانه دشمنان و نتیجه رزم پرشکوهی است که فدائیان خلق در دشوارترین شرایط، در راستای اهداف طبقه کارگر و آمال هم - رزمندگان با سرافرازی پیش برد ما.

ما به همه دستاوردهای گرانقدری که با رهبری شما فراهم آمده است، می بالیم. درایت و خردمندی رهبری سازمان ما، در هدایت مبارزه ای که در شرایطی این همه دشوار پیش

فشرده ای از مصاحبه خبرگزاری نووستی با وادیم زاگلادین پیرامون انقلاب اکتر

در صفحه ۹

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که روز دوشنبه ۲۱ آبان ماه، محاکمه به اصطلاح علنی اعضای رهبری حزب توده ایران در زندان اوین آغاز خواهد شد.

اخبار موثق که ما در دست داریم مینماید آنستکه آنچه ارگان های قضایی جمهوری اسلامی "محاکمه علنی" می نامند، در واقع صحنه سازی تازه ای بیش نیست. محاکمه تودم های در بند در سراسر کشور، از مدت ها پیش پشت درهای بسته آغاز شده و تعدادی از اعضای حزب ما به بقیه در صفحه ۸

بازتاب جهانی سرکوب خونین کارگران کارخانه "کانادادرای"

به دنبال انتشار خبر سرکوب وحشیانه کارگران اعتصابی کارخانه "کانادادرای" تهران به دست پاسداران رژیم، در "کار" ارگان مرکزی سازمان ما و فعالیت های افشاگرانه فدائیان خلق در خارج از کشور، این واقعه خونین در جهان بازتاب یافت. ما پیش از این نمونه ای از ابراز همبستگی کارگران جهان با کارگران اعتصابی کانادادرای را در صفحات این نشریه درج کرده بودیم. نشریات مترقی نیز با درج این خبر، جنایت پیشگی مرتجعین حاکم بر میهن ما را منعکس کردند. از جمله این نشریات "واپایت" بقیه در صفحه ۳

صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه اول

خلق بدست آورد و در راس انقلاب قرار گرفتند. فدائیان خلق ایران، حزب توده ایران و مجاهد خلق ایران در رهبری مبارزه خلق و برانگیختن توده ها و تشدید مبارزه علیه رژیم شاه منفور نقش فعال ایفا کردند. نقش فدائیان خلق در گسترش قیام مسلحانه ۲۲ بهمن برجسته بود.

۳- با پیروزی انقلاب رژیم شاه بهشابه ژاندارم امپریالیسم و نماینده کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیزم سرنگون شد. جمهوری اسلامی به رهبری روحانیت پیرو خمینی و با شرکت نهضت آزادی و برخی از جریانهای مشابه تشکیل گردید. بخشهایی دیگری از روحانیت نیز رهبری آیت الله خمینی را پذیرفتند و در استقرار جمهوری اسلامی ایران مشارکت کردند.

۴- در آستانه انقلاب روحانیت پیرو خمینی به لحاظ طبقاتی طیف گسترده و ناهمگونی را دربر می گرفت که سمتگیری آن بطور عمده منافع بورژوازی، ملی، خرد بورژوازی و لایه هاائی از زحمتکشان شهر و روستا را منعکس می کرد.

۵- روحانیت حاکم به لحاظ اجتماعی و تاریخی با خرد بورژوازی سنتی، بورژوازی تجاری بازر و ملاکان محکوم ترین پیوندها را داشته است. روحانیت حاکم که خاما گرایشات طبقاتی متضاد بود، در عین حال بمشابه یک قشر اجتماعی برای تامین منافع خود، مذهبی کردن ساخت دولتی و حیات سیاسی و اجتماعی کشور تلاش می کرد.

یک بخش از روحانیت حاکم خواهان انجام تحولات اجتماعی اقتصادی علیه کلان سرمایه داری

و بزرگ مالکی بود. بخش دیگر مدانه می کوشید کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی حفظ گردد.

نقش ویژه آیت الله خمینی این بود که برای حفظ جمهوری اسلامی سیاست مانور میان جریانها درون حکومت را دنبال می کرد.

۶- در اثر مبارزه طبقاتی حسادی که در سالهای پس از انقلاب در کشور و در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جریان داشت، ترکیب و تناسب نیروها در حاکمیت دستخوش تحول گشت. پس از انقلاب نظر بد نقش تعیین کننده توده ها، قیام کننده در نوازن نیروها که بسوی نیروهای ضد امپریالیستی، ضد بزرگ مالکی و ضد کلان سرمایه داری در حاکمیت تاثیر می گذاشت و حضور فعال سازمانهای ضد امپریالیست و مردمی که در گسترش جوا انقلابی در جامعه نقش جدی داشتند نیروهای مدافع انقلاب در حکومت نیروی برتر محسوب می شدند و تعرض انقلاب به مواضع ارتجاع سرنگون شده ادامه داشت.

زیر تاثیر مجموع عوامل یاد شده حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب به اقدامات مثبت و مردمی دست زد.

۷- امپریالیزم و جریانهای وابسته به آن و نیز نیروهای ارتجاعی و راستگرای درون حکومت که بر زمینه رشد و تقویت سرمایه های بزرگ تجاری موضع خود را مستحکم می کردند در اواخر سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ همراه با جریانات قشری حداکثر تلاش خود را برای تشدید خصومت و تفرقه میان نیروهای ترقیخواه کشور بکار گرفتند. این توطئه در کنار توطئه امپریالیستی تحمیلی جنگ به نابودی بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای ترقیخواه کشور و تشویش نیروهای راستگرا و محافظه

کار در حکومت منجر گردید.

۸- با گسترش روند فقی همراه با گسترش مخرب سیاست ادامه جنگ در فرسودن نیروهای مدافع انقلاب، پس از دفع نیروهای متجاوز در نیمه دوم سال ۶۱ آیت الله خمینی نیروهای راستگرا و محافظه کار و مرتجع در حکومت را رسماً مورد حمایت قرار داد. به مقابله آشکار با مدافعان اصلاحات اقتصادی اجتماعی برخاست و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را به پس گرفتن سرمایه ها و املاک خود فراخواند و بهای عقب نشینی و سازش آن عده از مسئولان اصلی جمهوری اسلامی که از اهداف انقلاب دفاع می کردند و سیطره ارتجاع بر کشور، تعرض همجانبه به دستاوردهای انقلاب گسترش یافت. سرکوب خونین و ناجوانمردانه حزب توده ایران بارزترین مظهر تخمیر سیاست و سمتگیری حکومت جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

۹- حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هنوز یک دست نیست و جریانهای وابسته به بورژوازی بزرگ و متوسط و کوچک بزرگ مالکان و خرد بورژوازی در آن حضور دارند که در این میان نمایندگان بورژوازی بزرگ تجاری نقش و وزن عمده را دارند.

در دستگاه حکومتی پیوندها در رده های پائین آن هنوز نیروهای وجود دارند که خواندان حفظ استقلال کشور و یا انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی هستند در حال حاضر موقعیت این نیروها در حاکمیت محدود و محدود تر می شود. اما قادرند در راه تعرض ارتجاع حاکم موانعی پدید آورند و تاثیرات معینی بر سیاست کشور بجا گذارند.

رزم و عمل، گرامی می دارند.

سازمان ما، سازمان طراز نین طبقه

از پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران
پایان دادن به حاکمیت ارتجاع
آماج عده های است که سمت اصلی
یکار ما را معین می کند.

همه نیروهای سازمان باید از راه افشا مرتجعین و خائنان به انقلاب، مردم را برای دستیابی به این آماج بسیج کنند. افشای سیاست و ماهیت مرتجعین حاکم آن حربه کار ساز و نیرومندی است نه می تواند به حاکمیت ارتجاع بر کشور پایان دهد و راه اعمال حاکمیت دموکراتیک و ملی را بگشاید. خط مشی مصوب پلنوم چراغ راهنمای مبارزه فدائیان در همه عرصه ها است.

پیام کمیته تشکیلات

بقیه از صفحه اول

استواری عزم فدائیان که در راه آرمان های شریف خود جان می بازند و پا پس نمی نهند، سرمشق شکوهمندی از پایداری های دلیرانه، برای ما و همه پیوندگان راه سعادت مردم پدید آورده است.

آنچه که تا کنون طی شده است نشانه شایستگی سازمان ما در ایفای وظایفی است که به مثابه گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران بر عهده گرفته است. ارزیابی درست و دقیق از روند انقلاب ایران و خط مشی صحیح برای مبارزه انقلابی در میهن ما، که توسط پلنوم ارائه شده است، چراغ راهنمای ما در پیمودن راهی است که به منظور دستیابی به صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در پیش گرفته ایم. فدائیان خلق در خارج از کشور، به مانند همه ارگان های سازمانی و همه رزمندگان فدائی، این دستاورد بزرگ را به مثابه راهنمای

کارگر ایران، اینک نیرومند تر از همیشه در راه صلح، استقلال، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم می رزمند. تاکیدات و تصمیمات پلنوم برای گسترش هر چه وسیعتر همکاری های برادرانه با حزب توده ایران، حزب طراز نین طبقه کارگر ایران به منظور حفظ، تحکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی گردان های پیشاهنگ طبقه کارگر ایران شعارات بی مانندی برای جنبش کمونیستی و کارگری ایران در راه دستیابی به هدف های عاجل و آماج های نهائی بیستار خواهد آورد.

رفقای گرامی!

صمیمانه ترین شادباش های ما به مناسبت این رویداد فرخنده را بپذیرید. حول رهنمود ها و مصوبات پلنوم کمیته مرکزی، رزم شورانگیز ما درخشش تازه ای خواهد یافت.

با گرم ترین درود های کمونیستی
کمیته تشکیلات خارج از کشور
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انعکاس گزارش "کار" پیرامون اعتصاب معدنچیان بریتانیا، در نشریه ارگان حزب کمونیست بریتانیا

این امر است.
کمونیست‌های بریتانیا این همبستگی فعال را در نشریه "کار" خود انعکاس داده‌اند.
روزنامه "مرینگ استار" در شماره ۱۹ اکتبر خود می‌نویسد:

"جنبش کمونیستی ایران، پشتیبانی قاطع خود را از اعتصاب بزرگ معدنچیان انگلیس اعلام کرده است.

"گزارشهای مربوط به اعتصاب در روزنامه "مخفی" کار" ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به چاپ رسیده است. کار نشریه است که علی‌رغم حملات بی‌دری رژیم جمهوری اسلامی علیه اعضای سازمان و نیز حزب توده ایران، انتشار می‌یابد."

در این شماره از روزنامه "مرینگ استار" خبر فراخوان سازمان در دفاع از زندانیان سیاسی ایران نیز به چاپ رسیده است.

انترناسیونالیسم پرولتری یکی از اصول اعتقادی خدشه‌ناپذیر کمونیست‌هاست. کمونیست‌ها حتی در حالی که در حیطه میهن خود با سخت‌ترین مشکلات و معضلات مواجه هستند، همبستگی خود را با طبقه کارگر بین‌المللی و مبارزات کارگران و زحمکشان کشورهای دیگر از یاد نبرده و آنرا به هر شکل ممکن ابراز می‌کنند.

در حال حاضر مبارزه معدنچیان اعتصابی بریتانیا، یکی از تجلیات برجسته مبارزات کارگری در کشورهای سرمایه‌داری است. سازمان ما تلاش ورزیده است این مبارزه در میان کارگران و نیروهای انقلابی میهن ما با توجه به مقدرات موجود انعکاس شایسته خود را داشته باشد. درج اخبار این اعتصاب در "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان ما و صفحات متعددی از "اکثريت" که به گزارشها و مصاحبه‌های مختلفی در زمینه این رزم دلاورانه اختصاص یافته، نمودار

دانشجویان و وکلای هندوستان، جانیات ج. ۱۰ را محکوم می‌کنند

ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران، در پنجمین کنفرانس ایالتی فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان - ایالت کارناتاکا در روزهای پنجم، ششم و هفتم اکتبر، پنجمین کنفرانس ایالتی فدراسیون سراسری دانشجویان هند در شهر بنگلور برگزار شد. در محفل برگزاری این کنفرانس، نمایشگاه عکسی توسط هواداران سازمان در هندوستان، برپا شد که با شعارهایی همچون "جنگ را قطع کنید"، "مردم صلح می‌خواهند"، "گسترده باد همبستگی بین‌المللی با زندانیان سیاسی ایران" و "پوستر-هایی در افشای سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی و جانیات این رژیم در زندانها"، تزئین شده بود. این نمایشگاه مورد بازدید عده زیادی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس قرار گرفت.

نماینده هواداران سازمان در هند، طی پیامی که در کنفرانس قرائت نمود، ضمن ابراز همبستگی با دانشجویان هندی و آرزوی موفقیت در امر مبارزه برای صلح، استقلال، دموکراسی برای فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان، شمه‌ای از خیااتهای رژیم جمهوری اسلامی را بر شمرده و وضعیت دانشجویان ایرانی را توصیف کرد.

در خاتمه کنفرانس، قطعنامه‌ای درمحو - میت سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی و سرکوب و شکنجه و اعدام انقلابیون در هند و هم چنین سیاست دانش‌ستیز جمهوری اسلامی صادر گردید.

دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران در کنفرانس سراسری وکلای هندوستان کنفرانس سراسری وکلای هندوستان برای حفظ صلح و جلوگیری از وقوع جنگ هسته‌ای در روز سی‌امبر در بنگلور آغاز به کار کرد. و با تصویب قطعنامه و یک بیانیه به کار خود پایان داد. چندین هیأت نمایندگی، متشکل از حدود ۳۰ وکیل از سراسر هندوستان در کنفرانس شرکت بسته بودند. نماینده‌های نیز از جانب شورای جهانی صلح آقای ویلیام ویلسون - در این کنفرانس حضور داشت. رفقای ما با برپا کردن یک نمایشگاه در سال محل برگزاری کنفرانس و با پخش اعلامیه‌های مختلف به زبان انگلیسی در میان شرکت‌کنندگان نسبت به جنا پت‌های رژیم جمهوری اسلامی و لگدکوب ساختن حقوق اولیه مردم به دست مرتجعین حاکم، افشاگری وسیعی به عمل آوردند.

در این کنفرانس، آقای یوگا که ریاست اجلاس را بر عهده داشت طی سخنانی پیرامون وضعیت حاکم بر میهن ما، همبستگی و کلاو حقوق‌دانان هندی با مردم ایران را ابراز داشت و تاکید کرد که "ما از حقوق دمکراتیک مردم ایران همواره دفاع کرده و خواهیم کرد."

بازتاب جهانی سرکوب خونین کارگران کارخانه "کانادادرای"

بقیه از صفحه اول

Streik im Teheraner Werk von Canada Dry

Iranische Sicherheitsmilizen ermordeten vier Arbeiter

Schüsse aus bundesdeutschen G3-Gewehren

Teheran (DW/N.M.). Auf dem Betriebsgelände des Teheraner Canada-Dry-Betriebes sind vor wenigen Tagen vier streikende Arbeiter von den Sicherheitsmilizen der Islamischen Republik, den Pasdaran, erschossen und weitere 46 schwer verletzt worden. Der Streik hatte Ende Juli nach Auseinandersetzungen der Belegschaft mit der Betriebsleitung um die Lohnfrage begonnen.

um die Bedingungen der Neueinstellungen begonnen. Die Beschäftigten hatten sich gerade auf dem Betriebsgelände versammelt und wollten mit dem Direktor von Canada Dry sprechen. Die Betriebsleitung hatte für etwaige Verhandlungen die Bedingung gestellt, daß Vertreter der Beschäftigten ins Verwaltungsgebäude kommen.

"وارهايت" ضمن درج گزارش جبريان حادثه، خبر خود را چنین پایان داده است: "اگرچه رژیم می‌کشد مطلقاً مانع پخش خبر مربوط به این حادثه گردد، اما این اعتصاب در این فاصله حتی اثر خود را در بازار شیشه نوشابه کانادادرای برجای گذاشته است."

ارگان حزب سوسیالیست متحد برلین غربی است که در شماره ۱۶-۱۵ سپتامبر خود تیت‌درستی را به خبر این اعتصاب به خون کشیده اختصاص داده و نوشت "نخست‌گاز اشک‌آور به کار رفت و سپس (پاسداران) به مسلسل‌هشی‌ژ ۳ ساخت آلمان فدرال متوسل شدند."

ابراز همبستگی سازمان دانشجویی اسپارتاکوس با دانشجویان ایران

با دانشجویان ایرانی که زیر سرنیزه حاکمیت سرکوبگر ارتجاعی و دانش‌ستیز رژیم خود را پیش می‌برند، بدل شد.
در پیام دانشجویان هواداران سازمان در آلمان فدرال، به اجلاس مسئولین سازمان دانشجویی اسپارتاکوس، بر مبارزه مشترک در راه اهداف انقلابی تاکید شد. در پایتختان پیام هواداران از همبستگی سازمان دانشجویی با مردم ایران در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم قدرانی بعمل آمد.

در روزهای ۱۳ و ۱۴ اکتبر، در شهر در تموند جلسه مشاوه مسئولین حوزه‌های دانشجویان اسپارتاکوس برگزار گردید. در این جلسه رفیق هربرت میسر، دبیر اول حزب کمونیست آلمان نیز حضور داشت.
سازمانهای دانشجویی متعددی برای این اجلاس پیام فرستاده بودند. وقتی که پیام دانشجویان هواداران سازمان در آلمان فدرال قرائت شد شرکت‌کنندگان با کف‌زدنهای متعدد از آن استقبال به عمل آوردند. این اجلاس مانند دیگر گرد همایی سازمانهای مترقی دانشجویی یکبار دیگر به عرصه ابراز همبستگی

مصاحبه "اکثريت" با یکی از اعضای رهبری جبهه ملی ساندینيست وحدت، رمز پیروزی انقلاب نیکاراگوئه

در هفته گذشته در يك انتخابات عمومی مردم نیکاراگوئه يك بار دیگر اعتماد عمیق خود را به دولت انقلابی ساندینيست ابراز داشتند. نتایج انتخابات جلوه دیگری از پیوند مستحکمی است که میان توده های مردم و دولت انقلابی وجود دارد. چندی پیش از انتخابات، خبرنگار اکثريت صاحبیای پایکی از اعضای رهبری جبهه ملی ساندینيست، رفیق ادگار هررا، وزیر مسکن ناحیه ۶، انجام داد. رفیق هررا گوشه هاىى از دستاوردهای انقلاب را برای خبرنگار ما تشریح کرد، ما اکنون همزمان با اعلام نتایج انتخابات نیکاراگوئه، پاسخ های ایشان را درج می کنیم، تا تصویری از عملکرد مردمی و انقلابی دولت ساندینيست ارائه شود، همان عملکردی که پیوند شکر میان دولت و مردم نیکاراگوئه را هر چه تنیده تر کرده است.

(۰۰۰) با بررسی بیان پنج ساله انقلاب نیکاراگوئه بدین نتیجه می رسم که مهمترین دستاورد ما برقراری و تحکیم وحدت ملی بوده است.

در گذشته نیروهای دموکراتیک و انقلابی که (پیش از انقلاب) در اپوزیسیون قرار داشتند در فازهای سیاسی معینی مشغول بودند. در لحال حاضر ما موفق شده ایم که تمامی نیروهای هوادار و فعال انقلاب را به دور یکدیگر گرد آوریم و صف واحدی در مقابل بلوک احزاب، سازمانها و گروههای مختلف دست راستی که با حرکت انقلاب مخالفت تشکیل دهم. وحدتی که امروزه در نیکاراگوئه بیش از گذشته با برجاست باعث شد که توده های وسیع مردم اعتماد عمیقی به ما داشته باشند و در فعالیت های اجتماعی بهره بری جبهه ساندینيستی آزادی ملی شرکت جویند. اکنون، بیش از پنج سال پس از پیروزی انقلاب، این فعالیت هابه دستاوردهای عظیمی در عرصه اقتصادی و اجتماعی منجر شده است که مورد تایید و احترام مراجع بین المللی و افکار عمومی متمدن جهان قرار دارند.

وحدتی که توانستیم به شکلی موفقیت آمیز بین طبقات و اقشاری که به مقابله نیروی محرکه اصلی در انقلاب سال ۱۹۷۹ شرکت کرده بودند (منظور طبقه کارگر و دهقانان کشورمان میباشند)، پدید آوریم، این دستاوردهای ستروک را برای انقلاب ما ممکن ساخت.

در حال حاضر همه فعالیت های سیاسی و اجتماعی متمدن در نیکاراگوئه بدست خود مردم، از طریق تشکلهای متعدد توده ای و یا همکاری تنگ تنگ با ارگان های انقلابی و دولت انجام میگردد. ارگان های دولتی و رهبری ملی کوچکترین حرکتی را جدا از توده

و بر خلاف اراده آنها انجام نمی دهند. این روش عمیقاً دموکراتیک و مردمی رهبری انقلاب و جامعه باعث شده است که تحت شرایط دشوار کنونی که از جانب ضد انقلاب در چندین جبهه به ما جنگ تجار و کارانه ای تحمیل شده، توده زحمتکش که نیروی انقلاب تنها از انسان نشات میگیرد، در صحنه مبارزه باقی بمانند و این واقعیت به خصوص برای ایالات متحده قابل فهم نیست.

برای اطلاع شما به نمونه هایی از موفقیت هایمان در عرصه های سیاسی و اقتصادی اشاره میکنم:

در سال ۱۹۷۹، یعنی وقتی سوموزا دیکتاتور جنایتکار در حال سرنگونی بود در

نیکاراگوئه ۱/۶ درصد از بودجه دولتی به صارف پزشکی و بهداشت میرسید و این تقریباً با حد متوسط در کلیه کشورهای آمریکای لاتین معادل بود. اکنون پنج سال پس از پیروزی انقلاب، در سال ۱۹۸۴، ۱۷ (درصد) از بودجه دولتی به این صارف میرسد.

هزاران تن پیرو جوان پس از گذراندن دوره های کوتاه آموزشی به عضویت تیم های واکسیناسیون و امدادگری درآمدند و یک برنامه گسترده واکسیناسیون را در سراسر کشور اجرا کردند. از جمله نتایج اجرای نظام وکمال این برنامه در نیکاراگوئه این است که در حال حاضر بیماری فلج اطفال در کشورمان ریشه کن شده است.

در سال ۱۹۷۹ از هر هزار کودک کنوزاد نیکاراگوئی ۱۲۰ تن تلف میشدند. اکنون این رقم به ۹۰ در ۱۰۰۰ رسیده و در آینده به طور منظم کاهش خواهد یافت.

ما در عرصه آموزش و پرورش عمومی نیز به

رای قاطع خلق نیکاراگوئه به جبهه رهایی بخش ملی

ساندینيست

بقیه از صفحه اول

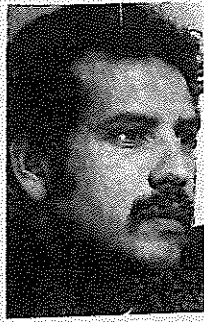
مطبوعات در ماناگوا اظهار داشت مردم نیکاراگوئه با شرکت وسیع خود در انتخابات، دعوت دولت آمریکا و اقلیت پیروان در داخل کشور به تحریم آن را با شکست فاحشی مواجه ساختند. وی افزود جبهه رهایی بخش ملی ساندینيست (اف.اس.ال.ان) در آینده نیز به سیاست وحدت ملی خود ادامه خواهد داد. دانیل اورنگا در ادامه سخنان خود، سیاست تجار و کارانه آمریکا علیه کشور را که تا کنون به مرگ ۸۰۰۰ تن از مردم نیکاراگوئه انجامیده است، شدیداً محکوم کرد.

از آخرین قربانیان سرشناس جنگ، اعلان نشده آمریکا علیه نیکاراگوئه، "انریکو شمیت کولادرا" وزیر مخابرات این کشور است که روز دوشنبه پنجم نوامبر طی نبرد مسلحانه با ضد انقلابیون جان خود را فدای دفاع از میهنش کرد. این نبرد، در نزدیکی شهر "کاموآپا" واقع در ۹۰ کیلومتری ماناگوا صورت گرفت. واحد ویژه "پابلو وایلا" به فرماندهی انریکو اش میت ماموریت یافته بود یک دسته ۱۰۰ نفره از ضد انقلابیون را که در ۲۹ اکتبر در دهکده

ساندینيست برای احراز مقام ریاست جمهوری، از نخستین افرادی بود که در حوزه رای گیری، رای خود را به صندوق انداخت. وی خطاب به روزنامه نگاران گفت: "این نخستین بار است که ما در نیکاراگوئه در انتخاباتی واقعی شرکت می کنیم. این یک لحظه واقعاً تاریخی برای ملت ما است، چرا که این نخستین انتخابات آزاد است. این نخستین انشا بانی است که که در آن، هفت حزب شرکت می کنند. در گذشته در کشور ما تنها دو حزب وجود داشت. میا اطمینان داریم مردم نیکاراگوئه وسیعاً در انتخاب شرکت خواهند کرد." اورنگا افزود در آستانه انتخابات، بسیاری از اعضای انجمن های محلی نظارت بر انتخابات، توسط ضد انقلابیون به قتل رسیدند. هنری روئیز، عضو کمیته ملی جبهه رهایی بخش ساندینيست، گفت شرکت وسیع مردم در انتخابات، پاسخی است به فساد و جوی های آمریکا و ارتجاع داخلی. سرجیو رامیرز، نامزد احراز مقام معاونت ریاست جمهوری اظهار داشت انتخابات گام مهمی بسوی تحکیم دموکراسی است.

۵۰۰ تن از نمایندگان سازماندهی بین المللی و شخصیت هایی از ۲۰ کشور بر انتخابات نیکاراگوئه نظارت کردند.

۸۲/۶ درصد از واجدین شرایط، به پای صندوقهای رای رفتند. از این تعداد، ۶۸ درصد آرا به جبهه رهایی بخش ملی ساندینيست اختصاص یافت. "حزب محافظه کار دموکرات" ۱۲ درصد، "حزب مستقل لیبرال" ۱۰/۶ درصد و "حزب ملی سوسیال مسیحی" ۷/۵ درصد رای بدست آوردند. دانیل اورنگا طی یک کنفرانس



انریکو اش میت که روز ۵ نوامبر به شهید رسید

دستاوردهای مشابهی رسیدیم. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب به قرار رهبری ملی جبهه ساندینیستی نهضت بزرگ سوادآموزی با شرکت فعال هزاران دانش آموز و دانشجو و دیگر شهروندان هوادار انقلاب که خواندن و نوشتن، میدانستند شروع شد. این نهضت تا بحال در بطن کشمکش ها و درگیری های مسلحانه با انقلاب و دیگر مشکلات عملاً موجود در سطح جامعه موفق شد، سطح بیسوادی را از ۵۹ درصد در سال ۱۹۷۹ به ۱۱ درصد در سال ۱۹۸۴ تنزل دهد. در این عرصه نیز فعالیت های خستگی ناپذیر نیروهای انقلابی ادامه خواهد یافت و نسبت ۱۱ درصد سریعاً تقلیل یافته و به صفر خواهد رسید. لازم به توضیح است که ۲۰۰۰۰ تن از "کادر" های ما در نهضت سوادآموزی دانشجویان، دانش آموزان و یا زحماتشان هستند که بطور افتخاری و در اوقات فراغت خود به کار در نهضت میپردازند.

در مورد مسئله مسکن که در حیطه کار و مسئولیت خود من قرار دارد کافی است دو سه رقم را به اطلاع رفقا برسانم: رژیم سموزا در تمام طول حاکمیت چهل ساله خود جمعاً ۲۰۰۰۰ خانه و آپارتمان ساخت. ما در همین پنج سال گذشته، با زحمات تأکید میکنم با وجود همه مشکلات و خرابکاریهایی که توسط صد انقلاب و امپریالیسم صورت میگرفت. بیش از ۱۰۰۰ مسکن برای زحمتکشان ساختیم و بسیار سریعتر از آنکه امپریالیسم بتواند درک کند اصولاً مشکل مسکن را برای همیشه حل خواهیم کرد.

ما هم اکنون بیش از یک میلیون هکتار زمین زراعتی را بین دهقانان و کشاورزان و تعاونی های دهقانی تقسیم کرده ایم که به شکل موفقیت آمیزی مورد بهره برداری قرار گرفته اند. ارتش خلقی نیکاراگوئه از بخش های و شعب گوناگون تشکیل گردیده و بخش های

مختلف آن عبارتند از واحدهای منظم، واحدهای میلیشیا که به طور نیمه وقت در اختیار ارتش هستند و بالاخره واحدهای حفاظتی که به همراه "نیروی پلیس داوطلب" وظیفه حفظ امنیت در شهرها و دهات را بر عهده دارد. ارتش خلقی نیز تنها با مشارکت وسیع و داوطلبانه مردم متعهد به انقلاب توانست بنیانگذاری و توسعه یابد.

همانطوریکه گفتیم نقش توده مردم انقلابی بدین علت برجسته بود که رهبری انقلاب به رای آنها احترام میگذاشت و در ارتباطات تنگ با شکل های توده ای کار میکرد.

رهبری انقلاب همواره سعی بر این داشته که مسائل و منافع گروهی را تحت الشعاع منافع عمومی انقلاب و خواست های طبقه کارگر و دهقانان قرار دهد و با هر نوع سکتاریسم شدیدا مبارزه کند. ما معتقدیم که در عرصه بین المللی نیز نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی صرف نظر از اختلافاتی که میتوانند بر سر این یا آن مسئله خاص داشته باشند، باید در سطح عام و بین المللی همگی دست بر دست یکدیگر داده و جبهه های علیه ارتجاع جهانی تشکیل دهند و متحدان علیه آن برزند. در مورد مسئله وحدت در صفوف خود،

جبهه ساندینیستی آزادی ملی نیکاراگوئه اشاره میکنم که در دهه هفتاد برای مسدود کوتاهی سه جناح مختلف که هر یک خود را به ترتیب "هواداران جنگ خلق"، "پرولتاریا" و "هواداران قیام" مینامیدند شکل گرفتند. در فاز آخر انقلاب مسلحانه رهبران این سه جناح با هم به توافق رسیدند که از آن پس با هم وحدت کرده و به صورت یک جریان سیاسی یگانه ظاهر شوند و عمل نمایند. باید گفت که پیش از آن نیز بر همه معلوم بود که هیچ گونه اختلاف فایده نولولیک و بنیادی بین سه جناح مذکور موجود نبود. و تنها روش هایی که میبایست در جریان عمل انقلابی به کار گرفته شود مورد اختلاف بود. البته اعتدالی جنبش توده ای خود به خود صحت یا عدم صحت نظریات گوناگون موجود را روشن ساخت و رهبران سه جناح سریعاً به وحدت رسیدند. لازم به توضیح است که این جناح بندی هیچگاه به طور کامل و روشن در "پایه" شکل نگرفته و هم اکنون هم ماجرای جناح بندی سالیهای ۷۰ در سطح جامعه نیکاراگوئه اصولاً برای کسی مطرح نیست. خود من حتی یکبار هم در جلسات رهبری ملی جبهه احساس نکردم که یک فرد یا گروهی از رفقا به نمایندگی از یکی از سه جناح "سنن" میگوید.

در طول این پنج سال انقلاب همه تصمیماتی که توسط ارگان رهبری جبهه ساندینیستی آزادی ملی که متشکل از نه تن رفیق فرمانده انتخاب شده اند، ابتدا رفیقانه مورد بحث قرار گرفته و سپس با اتفاق آرا تصویب شده اند.



بیش از ۳۰۰ هزار نفر در یک میتینگ انتخاباتی در ماناگوا پشتیبانی خود را از دولت انقلابی اعلام کردند

کشتی حاوی قطعات "میگ - ۲۱" به نیکاراگوئه نیامده است. وی گفت دولت ریگان این دروغ را پراکنده است تا احیاناً به بهانه از بین بردن هواپیماهای موهوم، به نیکاراگوئه حمله کند. "دسکوتو" اظهار داشت حملات ضد نیکاراگوئه ای ریگان به بهانه ای واهی انجام میگیرد. به ادعای دولت آمریکا، تا زمانی که نیکاراگوئه موافقت خود را با پیشنهاد کشورهای گروه کونتا در اعلام نکرده بود، این پیشنهاد طرح بسیار خوبی بود. اما به محض موافقت نیکاراگوئه، واشنگتن آن را رد کرد. همین قضیه در مورد انتخابات تکرار شد. تا وقتی انتخابات نیکاراگوئه برگزار نشده بود، از نظر آمریکا برگزاری انتخابات سمبل برقراری دموکراسی بود، اما همینکه انتخابات انجام گرفت، ریگان آن را "صحنه سازی" خواند. وزیر امور خارجه نیکاراگوئه با مقایسه دو انتخابات، یکی در آمریکا و دیگری در کشور وی، اظهار داشت انتخابات نیکاراگوئه بر خلاف انتخابات آمریکا ماهیت کاملاً دمکراتیک داشته و با مشارکت فعال مردم انجام گرفت.

"سن گرگوریو" ۶ کودک را به قتل رسانده بودند، متلاشی سازد. در این نبرد، مطابق گزارش وزارت کشور نیکاراگوئه ۷۶ ضد انقلابی کشته شده و سه نفر اسیر گردیدند. انریکو اشعیت، تنها کسی بود که از نیروهای دولتی به قتل رسید.

به دنبال پیروزی چشمگیر جبهه ساندینیست در انتخابات و شرکت اکثریت عظیم مردم نیکاراگوئه در رای گیری، دولت ریگان کارزار ضد نیکاراگوئه ای خود را تشدید نمود. سازمان "سیا" به دروغ گزارش داد که یک کشتی حامل قطعات هواپیمای "میگ - ۲۱" ساخت شوروی در یکی از بنادر نیکاراگوئه پهلو گرفته است. هواپیماهای جاسوسی آمریکا چندین بار بر فراز ماناگوا به پرواز درآمدند. یک کشتی جنگی آمریکایی به بهانه تعقیب کشتی شوروی، حرم دریایی نیکاراگوئه را نقض کرد.

"میگول دسکوتو" وزیر امور خارجه نیکاراگوئه طی یک کنفرانس مطبوعاتی ایمن تحریکات آمریکا را محکوم کرده و افزود هیچ

تصویرهای خون‌آلود

جند خاطره از زندان

جدید است. بوی نا به این علت است که ساختن را تقسیم‌بندی کرده و به شکل سلول‌های مجزا از هم درآورد مانند "نهر مطلقاً" به داخل راه ندارد و از همین‌رو دیوارها هنوز خسرانده. سرم‌همچنان گیج می‌رود. به نظر می‌رسد که دیوارهای سلول حول محوری کسه امتداد نگاه آنرا می‌سازد، مدام در حال چرخشند. اما هرگاه صدایی به گوش می‌رسد، این چرخش متوقف می‌شود. صدایی ضعیف از یک سلول دور می‌پرسد: "ساعت چند؟" و صدایی دیگر جواب می‌دهد: "دندمای عصر". دوباره سکوت برقرار می‌شود و دیوارها به چرخش درمی‌آیند. ولی ناگهان با برخاستن صدای چند گلوله در جای خود می‌کوب می‌شوند. به نظر می‌رسد که صدای تیراندازی از پشت دیوار سلول می‌آید، نزدیک است و بمتر از حد معمول. بعد از چند دقیقه سکوت صدائی می‌پرسد: "چی بود؟" صدای دیگری پاسخ می‌دهد: "چیزی نیست، دوباره برای قایق‌بوسی طولانی تیراندازی ادامه می‌یابد. بعدها که به بند عمومی منتقل شدیم و مردم و مرا در اتاقی مشرف به میدان تیر جا دادند، دیدم که بعضی از بازجویان و پاسدارها و مسئولین زندان درست پشت بند، در مواقع بیگاری با سلاح‌های مختلف، مسابقه تیراندازی می‌دهند و از این طریق سعی می‌کنند روحیه زندانیانی را که به تازگی به این اسارتگاه منتقل شده‌اند، ضعیف کنند.

ساعتی بعد، در بند با سروصدای زیادی

گشوده می‌شود. در سلول‌ها را، سها سها، باز می‌کنند و ما را به دستشویی می‌برند. از یک لحظه غفلت پاسدار نگهبان استفاده می‌کنم و از نفر جلویی با صدای خفای می‌پرسم: "سیگار داری؟" نگاهش به این طرف و آن طرف می‌اندازد و با دست به سلول خود اشاره می‌کند. موقع بازگشت وقتی وارد راهروی بند می‌شوم، دستی از در سلول مجاور دراز شده و سه نخ سیگار و یک پرتقال تعارف می‌کند. فوری می‌گیرم و وارد سلول خود می‌شوم. چند دقیقه بعد از بسته شدن در همه سلول‌ها، پاسدار نگهبان وسط بند می‌ایستد و با صدایی بلند می‌گوید: "هر کسی حرف بزنه، حکم اعدام خود شو صادر کرده. اگه بشنیم، میام توی سلول و یه تیر تو مغزش خالی می‌کنم."

دقیقاً بعد از رفتن پاسدار، از سلول مجاور صدا می‌آید: "اسمت چیه؟" تردید دارم اسم را بگویم. می‌گوید: "اسم من حمیده" من نیز نام را می‌گویم. می‌پرسد: "اتهامت چیه؟" باز دچار تردید می‌شوم. می‌گوید: "منی خوام چیزی اضافه براون که اینا ازت می‌دونن، بگی." با حالتی دودل جواب او را می‌دهم. بعد از

در سیاه‌چال‌های مخوف جمهوری اسلامی لحظاتی از روزهای تلخ اسارت یک زندانی، به دور از شکنجه‌های مختلف جسمی و روانی سپری نمی‌شود. هر آنکس که حتی روزهایی چند را نیز در اسارتگاه‌های مترجین حاکم گذرانده باشد، حس می‌کند که ناچار است گوشه‌ای از مغزش را تا پایان عمر به تصاویر دردآلودی اختصاص دهد که یادآوری هر یک از آنها تا مدت‌ها چین برجینش آورده و قلبش را در زیر فشار رنجی جانکاه، فشرده می‌سازد. صدای رگبار جوخه اعدام، صدای تازیانه، فریادهایی که آیه می‌گیرند و لحظه‌های دیگر با بی‌هوشی و یا سرگ زندانی تحت شکنجه ناموش می‌شوند، چهره‌های لاغر و رنگ‌پریده، دست‌های لرزان، ظلمت مخوف سلول‌های انفرادی، صدای گام‌های نگهبانان در دل شب، عریه‌های بازجو و فریادهای رزمجو یا نه‌دل‌ورانی که مشعل مقاومت را همواره تابند مگه می‌دارند... از این قرارند عناصر سازنده آثار دردناک‌ترین روزهای اسارت در زندان‌های جمهوری اسلامی. در میان مجموعه خاطراتی که در ذهن یک زندانی نقش می‌بندد، برخی تصاویر برجستگی ویژه‌ای دارند. این تصاویر عمدتاً در یک زمینه سیاه و ظلمانی، اخگر سوزان مقاومت و قلب بزرگ مبارزین از جان گذشته را به نمایش می‌نهند. یک رفیق فدایی تصاویری چند از دوران اسارت خود را برای ما چنین به رشته تحریر درآورده است:

اولین شب زمستان

از لحظاتی که چشم‌هایم را بستند و همراه با سه نفر دیگر به زندان جدید، منتقل گردید، ساعتی می‌گذرد. در داخل سلول جدید، چشم‌بندم را برداشته و روی تنها پتئی موجود در آن کشیدم. سرم به شدت گیج می‌رود. این حالت در بین راه به من دست داد. برای انتقال به زندان جدید، ما را کف مینی‌بوس خواباندند و روی سر هر کدام یک پتو انداختند. ماشین در فاصله نسبتاً طولانی بین دو زندان، آنقدر چرخید و دور زد، که چیزی نمانده بود به حالت تهوع دچار شوم.

لحظاتی که مینی‌بوس ایستاد و یک در بزرگ با غواغ باز شد، فکر کردم که اینجا باید یک باغ بزرگ باشد. یک لحظه نیز به این گمان افتادم که اینجا همان زندان اولیست. چرا که در بزرگ رودی آنجا نیز، همین‌گونه صدا می‌کرد.

وقتی هر یک با چشم‌های بسته گوشه‌کوت یکدیگر را گرفته و به دنبال هم از چند پله بالا می‌رفتیم، صدای قطره‌آبی را شنیدیم که انگار به درون چاه عمیقی افتاده و در فضای تهی، انعکاس آهنگینی پیدا می‌کرد. بوی نا، زیر دماغ پیچید و تنم مرمورش. احساس کردم که باید وارد یک حمام قدیمی و متروک شده باشیم. این زندان

چند لحظه سکوت او دوباره مرا مخاطب قرار داده و می‌گوید: "فکرمی‌کنی که ما کی آزاد می‌شیم؟" جواب می‌دهم: "چندان دیر نیست." او این جمله را چند بار تکرار می‌کند و بعد می‌پرسد: "اگر اعدامون کنن چی؟ می‌کن حاکم اینجا زیاد حکم اعدام نمی‌ده." سوچیزی شنیده‌ای؟" پاسخ می‌دهم: "اطلاعی ندارم." دقایقی طولانی سکوت برقرار می‌شود. به حالتی مثل خلسه دچار می‌شوم که آهسته به دیوار می‌زند و بعد با لحن خاصی می‌گوید: "اگر خوابتند با هم اعدامون کنن، یادت باشه دستای همدیگر رو بگیریم." بغضی که ناگهان پنجه در گلویم می‌افکند اجازه نمی‌دهد سریعاً به او جواب دهم. بعد از چند لحظه به زحمت تکرار می‌کنم که: "حتماً! حتماً! حتماً!"

چند ساعت می‌گذرد. باران شدیدی در گرفته. اولین شب زمستانی است. همه در حالت خواب و بیداریند که در بند با حالت ناگهانی و خشنی باز می‌شود و چند نفر وارد می‌شوند. از صدای پاهایشان می‌شود حدس زد که باید بیش از ۵ نفر باشند. اسم چهار نفر را می‌خوانند. از جمله اسم حمید را. حالت عصبی‌شان شدید تر از حد معمول است. یک نفرشان با صدای گوش‌خراشی فریاد می‌زنند: "کیسه! لوازمتون جمع کنین!" آنها را از سلول‌هایشان بیرون کشیده و با خود می‌برند. در بند با خشونت بسته می‌شود. دوباره سکوت همه جا را فرا می‌گیرد. حالت خواب و بیداری بر همه چیز سلطه می‌یابد. شاید سه یا چهار ساعت می‌گذرد. خواب می‌بینم که دستی موهایم را گرفته، روی زمین می‌کشد و به طرف یک فنای ظلمانی می‌برد و وحشت‌زده از خواب می‌پرسم و درست در همان لحظه صدای رگبار مسلسل نفسم را در سینه بند می‌آورد. بعد از دقیقای سکوت صدای چند تک‌تیر را می‌شنوم.

ساعتی می‌گذرد. باید دندمای صبح باشد. در بند باز می‌شود. یکی را برگردانده‌اند، با صدایی تب‌آلود، هذیان می‌گوید: "حتماً" او را برده و همراه با تیرباران سه نفر دیگر، اعدام مصنوعی کرده‌اند.

چند روز بعد که من به بند عمومی منتقل شدم، عصر جمعه بود که پاسدار بند آمد و کیسه‌های میوه‌ای را که خانواده‌های زندانیان آورده بودند، تقسیم کرد. بین کسانی که می‌بایست کیسه میوه‌شان را می‌گرفتند نام حمید و یکی از پاسداران هم بود. کیسه او را اشتباهاً به داخل بند آورده بودند. همه تعجب کردند که چرا برای پاسدار زندان هم میوه آمده است. ساعتی بعد فهمیدم که مادر حمید، برای پسر همسایه‌شان نیز میوه فرستاده است. همان پاسداری که حمید را لوداده بود. میوه‌های او درست به اندازه میوه‌های حمید بود.

در سلول مجرد

سرم را زیر گوش محمد می‌برم و می‌پرسم:

همیشه دستشویی رفتن همین وضع را داشته؟

چهره سفید شده از کم‌نوریش آرام به طرفم برمیگرداند و می‌گوید: "امروز بیست و هفت‌روزه که شکم کار نکرده" و بعد هنگامی که با ناباوری

من روبرو می‌شود می‌پرسد: "پیش از اینکه بیایی مجرد فکر می‌کردی توی همچین جایی سی‌هشت نفر جا بگیرند؟" می‌گویم: "نه! واقعا نه!" لبخندی می‌زند و می‌گوید: "چیزهای یاور نکردنی دیگه ای هم می‌بینی."

در سلولی بسیار کوچک يك تخت سه طبقه گذاشته‌اند و سی و هشت نفر را در آن، جدا داد‌اند. بچه‌ها مانند کرم برش‌م روی هم‌دیگر می‌لولند. به ندرت اتفاق می‌افتد که بتوانسی لحظه‌ای پادایت را از زانو راست کنی. در هر سه‌چهل و هشت ساعت یکبار نوبت میرسد که بتوانی روی زانو خیم شده چند نفر دراز بکشی و دست‌هایت را زیر سیفات جمع کنی. روشنایی سلول از طریق لاس‌کم‌نوری که با يك توری ضخیم پوشیده شده تأمین می‌شود. گذشت زمان بتغییر روز و شب نامحسوس است. شاید حدود سه روز است که مرا به این سلول منتقل کرده‌اند؛ سلول مجرد قزل حصار.

می‌پرسم "تاکی باید توی این سلول ماند؟" محمد جواب می‌دهد: "بستگی داره، بعضی‌ها دو ماه، بعضی سمج‌ها ماه، اگر هم شانس بیاری يك ماه، باید دید کی صورت به رنگ كپك مایل به سبز درمید. این موقع خود حاجی رحمانی میاد و صورت‌ها رو نگاه می‌کنه. اگر بنظرش کافی باشه می‌برد عمو. صورت من خیلی سفید شده، نه؟" می‌گویم: "اگه توی این نور خوب تشخیص داده باشم آره" بعد اضافه می‌کند: "یواش، یواش شروع می‌کند به سبز شدن."

والیبال می‌زنی؟ "خنده بیرنگی می‌کنم. خیلی جدی تکه ای نم‌را که از يك پتوکنده از لیف سه شلوارش بیرون می‌آورد و يك سرش‌را به انگشت سیاه دست چپ من و سر دیگرش‌را به انگشت خود می‌بندد. حالا يك تیر والیبال سی‌سانتی داریم. بعد يك توپ کوچک که آنهم با نم‌پتو درست شده، از تری‌سینه اش درمی‌آورد و در حالیکه

هر دو می‌خندیم شروع به بازی می‌کنیم، حالا می‌فهمم که چرا در گوشه دیگر سلول يك زندانی مدتهاست که دو انگشت دست خود را، بر طول دست دیگری به بالا می‌لغزانند و بعد از سرکشت تا پشت دست می‌سازند. او دارد اسکی می‌کند و دیگری با يك انگشت سنگینی دست دیگر را بلند می‌کند. حتماً او غم دارد و زنه برمی‌دارد. به این ترتیب روز و شب سی و هشت نفر در يك سلول بسیار کوچک با این گونه ورزش‌ها می‌گذرد. از این همه نیروی مقاومت و پایداری احساس شغف و امید می‌کنم.

در سلول‌های مجرد روزی دو وعده غذا می‌دهند. غذا بسیار مختصر و کم حجم است، به هر نفر چیزی در حد نصف نان لواش یا ملاقای لوبیا و یا پنج شش قاشق برنج می‌رسد. از جای خبری نیست. در هر بیست و چهار ساعت يك بار زندانیان را به دستشویی می‌برند ولی از

شدت فشارهای جسمی و اضطراب‌های ناشی از شرایط محیط، بسیاری از زندانیان تا روزهای طولانی دچار یبوست یا ناراحتی‌های مشابه هستند.

دقایقی پس از بازی والیبال از گوشه سلول پیچ شروع می‌شود و بعد همه سلول را فرامی‌گیرد. یکی از بچه‌ها موقع رفتن به دستشویی، از توی کبره و يك بسته چای کیسه‌ای لیپتون پیدا کرده است. بحث این است که چگونه می‌توان چای درست کرد. احمد که عینکش را گرفته‌اند و قصادر نیست ته سلول را ببیند يك لیوان فلزی از زیر تخت درمی‌آورد و می‌گوید: "توی این درست می‌کنیم." همه دست به کار می‌شوند. چربیهای ماسیده برگشته تخت‌ها را با ناخن جمع می‌کنند و کف سلول می‌ریزند، چربی جامدی به اندازه نصف قوطی کبریت جمع می‌شود. بعد با نخ پتو قتیله می‌سازند و در زری قرار می‌دهند. داخل لیوان را از تنگ پلاستیکی آب برمی‌کنند. مجید که روی طبقه سوم تخت نشسته يك شاخ کبریت از لیفه شلوارش درمی‌آورد و به شیشه کوچک پنجره‌ای که پشتش کلانده است می‌کشد. شعله دست به دست می‌چرخد و به پایین می‌رسد و قتیله را روشن می‌کند، لیوان را آنقدر روی شعله نگه می‌دارند تا آب ولرم می‌شود. بعد لیپتون را در آب می‌اندازند. دقایقی بعد لیوان چای بیین سی و هشت نفر دست به دست می‌چرخد و خبر کس جرعه کوچکی نمی‌نهد. ماه‌ها بعد که بچه‌ها رنگ چای را هم ندیده بودند.

"بروتوس! توهم؟"

دنگام غروب است. آخرین شعاع‌های بی‌رمق آفتاب پاییزی از پنجره کوچک بند به دیوار روبرو افتاده است. ساعتی می‌شود که ورا آورد‌اند. از آن هنگام که در بند صدا کرد و او با کیسه پلاستیکی خرت و پرت‌هایش وارد شد، تا کنون جلوی در سلول نشسته و به نقطه‌ای خیره شده است. موهایش از ته تراشیده و ریش تنکش به سفیدی میزند. رنگش زرد و لب‌های کلفتش کبود است. چهار شانه است و گونه‌هایش که به نظر می‌رسد روزی گوستالود بود‌اند پلاسیده و از دو طرف آهزان است. با کسی حرف نمی‌زند. گهگاه برمی‌خیزد، روبروی دیوار می‌ایستد، در حالیکه جایی برای حرکت پاهایش ندارد. شست‌هایش را گره می‌کند و با تشنج آنها را ابتدا به طرف دیوار و بعد به زیر سینه می‌آورد. پس از چند بار تکرار این عمل، صورتش را که از انقباض و تشنج رو به کبودیست برمی‌زداند و در همان حال که به نق‌های خیره شده است با صدای خفای می‌پرسد: "بروتوس! توهم؟" این گونه حرکات عادیست و کمتر کنجکاو کسی را برمی‌انگیزد.

تکه‌ای نان خشک تعارف می‌کنم: "بگیر، گرسنه‌ات نیست؟" بطرفم برمی‌گردد و در گودی قاب چشانش و تپله بی‌فروغ، آرام تکان می‌خورد. دست در کیسه‌اش می‌کند، مقداری پنیر که دیگر خشک و زرد شده درمی‌آورد. بعد هردو را

نصف می‌کند و نییی از آن را برای خودش برمی‌دارد و حین خوردن شروع به صحبت می‌کند. می‌خواهم بگویم که حرف نزنند، اما نیاز به گوشش را در او آنقدر قوی می‌بینم که فقط گوش میدهم:

"میدونی؟ بیشتر از ده ماه توی انفرادی بودم. اینجا چقدر رطوبته، مثل اینکه جای خواب نیست حتماً باید چارچنگولی خوابید. با اینحال خیلی خویه. نغد و نم توی کدوم زندون‌ها بودم، نزد يك ساله که منو از اینجا به اونجا می‌برن. همه‌اش هم انفرادی. ببین! " می‌خواهد پیراهنش را بالا بزند. "می‌تونى یکی پشتم چه شکلیه؟" دستش را می‌گیرم و می‌گویم: "بعدا نشون میدی، کمی هم یواش‌تر حرف بزن!" ادامه

می‌دهد: "خیلی بالا به سرم آوردن، آخرش همین دیروز بود، شاید هم پرپر روز، چشم‌ها و بستن و بردنم به جایی روی صندلی نشوند. نغد و نم چند وقت نشسته بودم که دیدم به چیز آروم. آروم به سرم می‌خورم. اول زیاد اهمیت ندادم ولی بعد کنجکاو شدم. کمی سرویس‌الا آوردم. نمی‌دونستم کجا دستم، کس دیگه‌ای هم اونجا هست یا نه. چشم‌بندم آنقدر محکم بود که هیچ روزنای نداشتم. توی از روی صندلی بلند شدم، به نظرم او مد سرم داره به ته کفش می‌خورم. مدتی می‌خکوب نشستم، به فکر رسید که پای يك دیوارم و کسی روی دیوار نشسته و پای آهزش به سرم می‌خورم. از کنجکاو داشتم دیانه می‌بدم. چند بار سرمو زدم به کفش، هر دفعه محکم‌تر. کفش مثل پاندول تکیون می‌خورد. اعصابم خرد شده بود، انداز به سرم سیم برق وصل کرده بودند. دل به درازم، دستمو بالا آوردم و کفش رو لمس کردم بیشتر و بیشتر. بالا تر رفتم، به پارچه خیس، به نظرم رسید که ده‌های يك شلوار باشد. نغد و نم جلوس شد. خنک توی صورتم انداختم و چشم‌بند رو کندم. وقتی چشم به بالا افتاد شروع به نعره زدن کردم. میدونی؟ دیدم توی اتاق، یه دختر تیرازون شده مرواز گلو به طناب بست‌اند. و به چنگ سقا آهزان کرده‌اند!"

صورتش متشنج می‌شود. می‌گویم: "اگر حالت بد میشه نگوا" ادامه می‌دهد: "فوری باز جواد تو و کفت: "مادر. اکه می‌خوای تور رو هم اینجوری بکنیم حرف بزن!" ولی من حرف نزدم هیچوقت هم حرف نمی‌زنم. میدونی سزار رو کی کشت؟ یکی از نزدیکترین

یارانش. نه‌هن هیچ اسمی بهشون نمی‌بدم. نمی‌خوام کسی که از طریق لودا دن من تیرازون میشه در لحظه آخر رو به من حرف سزار رو تکرار کنه و بکه: "بروتوس! توهم؟" سکوت می‌کنم و سرش را روی دست‌هایش می‌گذارد. دقایقی بعد پاسداری وارد می‌شود و اسمش را می‌خواند. آرام برمی‌خیزد کیسه‌اش را برمی‌دارد و از سلول خارج می‌شود. شاید نامش جزو شهدای امشب باشد.

ادامه دارد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه اول

اعدام و عده کثیر دیگری به زندان های دراز مدت محکوم شد مانند: این احکام بمورد اجرا نیگز گذاشته شده است.

درباره محاکمه اعضای رهبری حزب توده ایران که مسئولین قضایی باصطلاح آغاز قریب - الموقوع آنرا اعلام کرد مانند باید خاطرنشان ساخت که این محاکمه نیز از مدت ها پیش در زندان اوین شروع شده بود و با صدور احکام اعدام عده زیادی از آنان پایان پذیرفته است. ارگان های سرکوبگر که نزدیک به دو سال قریبان خود را زیر شکنجه های وحشیانه و با بکار گرفتن انواع مواد مخدر تحت فشارهای شدید جسمی و روحی اقرار داده بودند، بسر خلاف سنن رایج از مدت ها پیش احکام اعدام اعضای رهبری حزب توده ایران را کتبا به تک تک آنان سپرده و اصرار داشتند تا این احکام به ریختن اعضای خانواده آنان نیز برسد.

هدف ارگان های سرکوب و شکنجه ارتوسل به این عمل ضد انسانی، تحت فشار روحی قرار

دادن نه تنها زندانیان سیاسی بلکه در عین حال خانواده های آنان نیز بود تا در صورت امکان بدین سان قریبانان رژیم ترور و اختناق را برای حضور در دادگاه نمایشی و اعتراف به گناهان ناکرده آماده سازند. این شیوه مطرود از نظر بشریت مترقی، ماهیت رژیم را که ادعای " عدل اسلامی " می کند بیش از پیش فاش می سازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این عمل ضد بشری ارگان های قضایی را محکوم می کند، از همه نیروهای ملی و مترقی و شخصیت های انسان دوست در کشور و سراسر جهان می طلبد تا صدای اعتراض خود را علیه این جنایت در حال تکوین بلند کنند.

محاکمه اعضای رهبری، کادرها و دیگر اعضا و هواداران حزب توده ایران وقتی می تواند مورد پذیرش قرار گیرد که:

۱- گروهی از پزشکان و کارشناسان بیطرف خارجی وضوح جسمی

و روحی زندانیان سیاسی را مورد معاینه قرار دهند و امکان حضور آنان را در دادگاه تصدیق و اعلام کنند.

۲- هیئت نمایندگی حقوق دانان دموکرات پرورنده های زندانیان و شیوه های بکار گرفته شده برای اخذ " اعتراف " و از جمله چگونگی صدور احکام اعدام سپرده شده بدست تک تک اعضای رهبری را مورد بررسی قرار دهد.

۳- به زندانیانی که برای بار دوم پس از صدور احکام اعدامشان می باید در دادگاه فرمایشی علنی شرکت کنند اجازه انتخاب وکیل مدافع از داخل و یا خارج کشور داده شود.

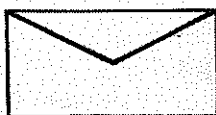
تردیدی نیست که اگر مسئولین ارگان های قضایی به اتهامات سخنی که به اعضای حزب توده ایران نسبت می دهند پایبند باشند نباید از پذیرفتن این شرایط عیقا عادلانه و برحق و انسانی سر باز زنند. عدم پذیرش این شرایط دلیل بارزی بر بی اعتباری این صحنه سازی به نام " دادگاه " را به ثبوت خواهد رساند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۶۳ آبان ۱۱

نامه های

خوانندگان



★ رفیق مرضیه (تهران) - نامه هایتان را مرتباً دریافت می کنیم. به مکاتبه خود با ما ادامه دهید.

★ رفیق ب. فرزاد (ایتالیا) - سریعاً با ما تماس گرفته و آدرس خود را در اختیارمان قرار دهید.

★ رفیق نادر. سر. (ترکیه) - امانتی شما را دریافت کردیم.

★ رفقای هندوستان:

- اشعارم به دستمان می رسد.
- بریده های جراید به زبانهای اردو و هندی باید با شرح فارسی همراه باشد. آنچه که به عنوان انعکاس مواضع سازمان در قبال جنگ در نشریه های هندی فرستاده بودید، لازم بود ترجمه نیز می شد.

★ رفقای پاکستان: اشعار را که فرستاده بودید دریافت کردیم. از آنها استفاده خواهیم کرد.

از مکاتبه مستمر شما با نشریه بسیار شادمان می شویم.

توضیح

به دلیل تراکم مطلب، درج قسمت هفتم مقاله " کارنامه جمهوری اسلامی، در مراکز آموزشی سیاه و ننگین است" در این شماره میسر نشد. دنباله این مطلب را در شماره آینده خواهید خواند.

وحشت از رنگ سرخ و نام کارگر

" در بندر ماهشهر تیمی به نام دسته ورزشی کارگر در مسابقه فوتبال شرکت می کند که از چند سال پیش ۰۰۰ برای پیراهن رسمی خود در رنگ اعلام کرده است. یکی سرخ و با نوار سفید و دیگری سفید با نوار سرخ. اخیراً هیأت فوتبال بندر اشکال اساسی در رنگ لباس یافته و رنگ سرخ را مغایر مصالح و نامناسب تشخیص داده است زیرا رنگ سرخ و نام کارگر تولید اشکال می کند."

(کیهان ورزشی - ۱۴ مهر)

ورود معلم مرد

به مدارس دخترانه ممنوع!

نامه یک دانش آموز به روزنامه اطلاعات: " اداره آموزش و پرورش تبریز، امسال معلمین مرد را از دبیرستانهای دخترانه برداشت. این مساله در حال حاضر موجب بی دیر ماندن بغضی از دوس دبیرستانها شده است. به طوری که ما دانش آموزان سال چهارم تجربی دبیرستان زینبیه تبریز، هنوز پاره ای از کتابهای اساسی و اصلی مان معلم ندارد."

(اطلاعات - ۱۲ آبان)

گسترش اعتیاد، به کجارسیده است!

گسترش وحشتناک اعتیاد به مواد مخدر در ایران به جایی رسیده است که یک نماینده مجلس اصل را بر معتاد بودن می گذارد و می گوید:

" با فراهم کردن امکانات رفاهی، اشتغال و ۰۰۰ باید از معتاد شدن افرادی که هنوز معتاد نشده اند، جلوگیری کرد!"

(اطلاعات - ۱۲ مهر)

در حاشیه



مساله زمین

خوشبختانه حل شده است!

آذری قمی:

" مساله زمین خوشبختانه حل است یعنی مساله عده ای نیست. برای این که مملکت ما وسیع است و زمین حاصلخیز هم زیاد است و هیچ لزومی ندارد که زمین های افراد را تکه تکه کنند و بازدهی آنها پائین بیاورند و سراغ آن زمینهای موجودی که به بلامنازع هم هست نروند. همینطور که امام اشاره فرمودند و این مساله را محرز دانستند که کشاورزی چیزی است که دست بخش خصوصی است."

(ضمیمه اقتصادی اطلاعات - ۶ آبان)

برای خرید توپ فوتبال

باید از مسجد تأییدیه داشت

اعضای تیم شهید محمود شرفی از جنوب تهران، با ارسال نامه ای به اطلاعات نوشتند: چندی پیش برای خرید یک توپ فوتبال به نرخ دولتی به فروشگاه ورزشی رفتیم و فرم مخصوص دریافت کردیم و پس از تکمیل آن به توصیه فروشگاهه مزبور، فرم پرشد را جهت تأیید به شورای مسجد شهابی بردیم. اما متأسفانه از تأیید آن خودداری کردند. خلاصه برای گرفتن یک توپ ۸۲/۵ تومانی کلی کلنجار رفتیم و دست آخر بدو نتیجه و دست از پا درازتر برگشتیم. (اطلاعات - ۱۲ آبان)

فترده‌ای از مصاحبه خبرنگاری نووستی با وادیم زاکلادین

روسی است، اما همه ملل زبانش را می‌فهمند

با این عبارت، در سال ۱۹۱۷ روزنامه سوئسی "لافی" انقلاب اکتر را توصیف نمود. در قرن ما هیچ رویداد دیگری که ابعاد و تاثیر آن بر سرنوشت بشریت قابل قیاس با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر باشد، وجود ندارد. با این همه، امروزه "شعری شناسان" بورژوا اگلسب می‌گویند اهمیت تاریخی این انقلاب را کمتر از آنچه هست جلوه دهند. آنها ادعا می‌کنند انقلاب اکتر تضاد "با" به وقوع پیوسته و نمی‌تواند الگویی برای کشورهای غربی باشد. اما کل جریان تاریخ جهان نشانگر آنست که چنین ادعاهایی تا چه حد نادرست است نشان می‌دهد. اندیشه لنینیسم تا چه حد از حیات و پهنایی برخوردار است، و بسیاری از قانونمندیهایی که در جریان انقلاب اکتر برای نخستین بار تحقق یافت، اعتبار عمومی دارند. گفتگوی خبرنگار خبرگزاری شوروی نووستی با پروفیسور وادیم زاکلادین دانستند شوروی که بخشهایی از آن در ذیل خواهد آمد، درباره موضوعات بالاست.

قانونمندی یا عوجاج تاریخ؟

س: نظر شما درباره این ادعا که انقلاب روسیه "ابداع" نبوغ آمیز ولادیمیر لنین و حزب بلشویک تحت رهبری او بوده، چیست؟
ج: پیش از هر چیز باید گفت به نظر ما طرح سؤال بدین شکل نادرست است، واقعیت این است که انقلاب اکتر ثمره سالها کار و تلاش عظیم حزب بلشویک به رهبری لنین بود. پیش از این انقلاب، آزمایش بزرگی انجام گرفته بود. منظور، قیام مسلحانه دسامبر ۱۹۰۵ است. همچنین پیش از انقلاب اکتر انقلاب بورژوا-دموکراتیک فوری به وقوع پیوست. در جریان این انقلاب، کارگران و دهقانان روسیه برای تجربه تجربات خود درک کردند که اگر بجای تزاریم، حاکمیت سرمایه در شکل احزاب سیاسی آن بنشیند، هیچ مسئلهای حل نخواهد شد و نان، صلح و آزادی به دست نخواهد آمد. توده‌ها تنها پس از آنکه این دوره طولانی و بسیار دشوار آموختن درمکتب انقلاب را پشت سر گذاشتند، به پشتیبانی از شعار لنینی "همه قدرت به دست شوراهای پرخاستند، انقلاب کردند و حاکمیت سرمایه‌داران و زمینداران را سرنگون ساختند."

در رابطه با خرد رویداد انقلاب نیز نه می‌توان از "ابداع" سخن گفت و نه از رویدادهای تضاد فی و اتفاقی، بلکه جریان بدین ترتیب بود که (بلشویکها) با دقت همه عوامل و شرایط را در محاسبه خود گنجانده، به درستی جمع‌بندی کرده و زمان عمل انقلابی را دقیقاً "برگزیدند". انقلاب، هم علم است و هم هنر. لنین و حزب بلشویک نیز درست از آن روکه تحلیل علمی اوضاع

را با هنر انتخاب تاکتیک درست پیوند دادند، توانستند زمان درست را برای آغاز قیام مسلحانه برگزینند.

س: اما آنهایی که سخن از "ابداع" (لنین) می‌رانند هدفشان این است که ثابت کنند انقلاب اکتر نه یک قانونمندی، که یک امر تضاد فی بود.

ج: در حقیقت دشمنان انقلاب ما، چه سیاستمداران و نظریه‌پردازان بورژوایی و چه سوسیال دموکراتهای راست آن زمان، از همان روزهای نخست پس از اکتر ادعا می‌کردند این انقلاب یک عوجاج تضاد فی تاریخ بوده، پدیده‌ای قانونمند محسوب نشده و بنا بر این محکوم به شکست است.

باید گفت این "استدلال" حتی اکنون، در اواخر قرن ما در غرب با شدت خاصی تبلیغ می‌شود. من در اینجا به ذکر یک نطق پرزیدنت رونالد ریگان اکتفا می‌کنم. رئیس جمهور آمریکا در این نطق برای چندمین بار خواهان آن شد که به "آخرین صفحات نابهنجاری تاریخ بشر موسوم به کمونیسم" پایان داده شود. وی از این نیز فراتر رفت و خواستار تهاجم به کمونیسم از طریق "مسلح شدن به استراتژی مبارزه در مواضع به پیش برده شده" گردید. اما این منطق راه به جای نمی‌برد. اگر مسئله، یک "نابهنجاری تاریخی" می‌بود، این "نابهنجاری" می‌بایستی مدت‌ها پیش از بین می‌رفت. اما حال که امروزه عود هفت دهه پس از انقلاب اکتر، سوسیالیسم نه تنها از بین نرفته، بلکه برعکس، قوی‌تر شده و به درفش پیش از یک سوم بشریت تبدیل گردیده، دیگر "نابهنجاری" در کجاست؟

مطابق پیش بینی مارکس، یا خلاف آن؟

س: قانونمند بودن انقلاب اکتر را نه تنها ایدئولوژی بورژوایی، که برخی رهبران سوسیال دموکراسی نیز به زیر سؤال می‌برند. آنها معمولاً "بدین منظور از کارل مارکس چنین نقل می‌کنند که گویا انقلاب سوسیالیستی تنها در کشورهای بسیار پیشرفته می‌تواند پیروز شود."

ج: حق با آنها نیست. البته بنیانگذاران آموزش ما در سالهای ۴۰ قرن گذشته معتقد بودند انقلاب سوسیالیستی در پیشرفته‌ترین کشورها، و حتی در آن واحد در پیشرفته‌ترین آنها، به وقوع خواهد پیوست. اما بعدها بر طبق تحلیل عمیق‌تری درنگامل اجتماعی، به نتایج دیگری رسیدند.

آنها پیش از هر چیز متوجه شدند که برای وقوع یک انقلاب، نه فقط شرایط عینی و مادی، بلکه همچنین شرایط ذهنی، یعنی اراده، آمادگی و توانایی توده‌ها به قیام برای انقلاب لازم است. هر دو عامل باید تلفیق یابد.

کارل مارکس و فریدریش انگلس با توجه به پیوند واقعی شرایط عینی و ذهنی یک انقلاب در کشورهای گوناگون به این نتیجه رسیدند که مرکز جنبش انقلابی، دائماً در حرکت است؛ نخست از انگلستان به فرانسه، سپس به آلمان. هم مارکس و هم انگلس اواخر عمر خود امید زیادی به جنبش انقلابی روسیه بسته بودند.

س: و این در حالی بود که روسیه یک کشور عقب مانده به شمار می‌رفت، امری که امروزه اکثر "رهبران سوسیال دموکراسی بر آن انگشت می‌گذارند."

ج: آری، علیرغم عقب ماندگی کشور در آن زمان. مثلاً "انگلس به وضوح می‌دید که در روسیه، سرمایه‌داری شروع به رشد کرده، طبقه کارگر در حال اعتلاست و خلق در تمامیت خود دارای سنن کلکتیویستی (جمع‌گرایانه) و سنن مبارزه ردهائی بخش‌است."

اوایل قرن ما، اوضاع در روسیه بیشتر تحول یافت. به ویژه در این دوره، با گذار سرمایه‌داری از رقابت آزاد به امپریالیسم، کل سیستم سرمایه‌داری به گذار انقلابی به سوسیالیسم نزدیکتر شد. با توجه به این امر، موقعیتی بوجود آمد که در آن گسستن زنجیر سرمایه‌داری در ضعیف‌ترین حلقه آن امکان پذیر گردید. این نتیجه‌گیری، توسط لنین انجام گرفت که در تمام دوران فعالیت خود، پیگیرانسه از آموزش مارکس و انگلس پیروی می‌کرد. این حلقه ضعیف، روسیه بود.

به ویژه باید گفت روسیه اوایل قرن حاضر کشوری با سطح رشد صنعتی متوسط بود و از این لحاظ در رده پنجم جهان قرار داشت.

در صنعت، اتحادیه‌های انحصاری، که تعدادشان به ۱۵۰ می‌رسید، مواضع هر چه مستحکمتری به دست می‌آوردند. از لحاظ درجه انحصاری شدن صنعت، تنها آلمان و آمریکا از روسیه جلوتر بودند. در این کشور همچنین گروههای بزرگ بانکی ایجاد می‌گردید. روسیه از لحاظ درجه تمرکز بانکها از همه کشورهای رشد یافته سرمایه داری پیشی گرفته بود. انحصارات صنعتی و بانکی روسیه با شرکت فعال سرمایه خارجی در هم آمیخته و آنچه را که ما مارکسیست‌ها سرمایه مالی می‌نامیم، به وجود آوردند.

باید به مطالب فوق این نکته را افزود که در روسیه، میزان بالای رشد با عقب ماندگی و بقایای ماقبل سرمایه‌داری، فئودالی و حتی ماقبل فئودالی سرواژه‌ها بود. سیاهی روسیه متناقض و پراز تضاد بود.

س: ما طبقه کارگر را نیروی محرکه اصلی انقلاب می‌دانیم. اما آیا در روسیه طبقه کارگر توانسته بود رشد کند؟

ج: در سال ۱۹۱۳ در صنایع روسیه حدود ۲۰ میلیون کارگر مشغول کار بودند. کارگران به اتفاق نیمه پرولترهای شهری و روستا بقعه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

۶۴ درصد جمعیت را تشکیل می دادند. سه پنجم کارگران در کارگاههای دارای بیش از ۵۰۰ کارگر کار می کردند، در حالیکه در آمریکا این رقم تنها یک سوم بود. طبقه کارگر روسیه، آمادگی مبارزه داشت و بخش پیشرو آن، به شناخت نقش واقعی خود در مبارزه برای تحویل اجتماعی در روسیه رسیده بود.

"پدیده روسی؟"

س: در غرب مرتباً سخن از يك "پدیده روسی" به میان می آورند...

ج: خوب، چرا که نه. همه چیز بسته به آن است که منظور چه باشد. اگر منظور از "پدیده" همان "تابهنجاری" است، این اصطلاح درست نیست. اما اگر "پدیده" بدان معنی بکار رود که روسیه با کشورهای اروپای غربی و آمریکا تفاوت های اساسی داشت، می توان از این واژه استفاده کرد.

نخست آنکه روسیه، همگونه که ذکر شد، کشوری با بافت اجتماعی - اقتصادی بسیار متناقض بود. از سوی دیگر، این امر بدان معنی بود که در این کشور، برخلاف کشورهای غربی همه اشکال ستم در شکل متمرکز آن تلفیق یافته بود: ستم بزرگ مالکان، سرمایه داران، ستم ملی در پیوند با استبداد سلطنت مطلقه سیاسی و سپس استبداد دولت موقت بورژوازی جنگ جهانی، که فجایع زیادی به همراه آورده بود، همه تضادهای اجتماعی را تشدید و تعمیق کرده و در اظفار افسار گسترده خلق آشکار نمود.

ثانیاً طبقه کارگر روسیه برخلاف طبقه کارگر در غرب که فاقد وحدت و اتحاد زیادی تحت تاثیر جریانات اپورتونیستی و رفرمیستی بود، عمدتاً "کرایش" قلابی داشته و از بلشویکها طرفداری می نمود.

ثالثاً دهقانان روسیه در مجموع طرفدار انقلاب بودند. دهقانان کشور بطور عمده بی زمین و نیمه پرولتر به شمار می رفتند.

و بالاخره رابعاً - و این بسیار مهم است - در روسیه یک حزب قوی و منسجم انقلابی وجود داشت که به یک تئوری انقلابی مسلح بوده و از تجربیات عظیمی در باره مبارزه عملی و موثر انقلابی برخوردار بود. و در راس این حزب، رهبر نابغه ای مانند ولادیمیر لنین قرار داشت.

آیا انقلاب اکتر، خشونت آمیز بود؟

س: حال یک تز دیگر مورخین و مبلغین بورژوازی را بررسی می کنیم: تز "خشونت" انقلاب اکتر، "سرمشق ناگوار بلشویسم" و انقلاب دردناک.

ج: نخست می خواهم یاد آور شوم که بلشویکها همواره می کوشیدند انقلاب را از طریق مسالمت آمیز انجام دهند.

لنین خواهان آن بود که حتی از "آخرین فرصت" برای تکامل مسالمت آمیز

انقلاب استفاده شود، اما اگر این فرصت بلااستفاده ماند، قبل از هر چیز به علت خشونت دشمنان انقلاب و ضد انقلابیون و هم چنین تزلزل و در مقاطعی نیز خیانت مستقیم اپورتونیست های سازشکار بود.

آنها که سخن از "خشونت" انقلاب ما به میان می آورند، جانشینان همانهای هستند که هر چه در توان داشتند انجام دادند تا انقلاب اکتر را در دریایی از خون خفه کنند.

تسخیر کاخ زمستانی، در اکتبر ۱۹۱۷ به قیمت جان تعداد اندکی از افراد انجامید. حتی یک انقلاب اجتماعی دیگر نمی توان یافت که تعداد تلفات آن تا این اندازه کم باشد.

انقلاب ما رفو، ترین و انسانی ترین آغاز را داشت. لنین در چهارم نوامبر ۱۹۱۷ (۱۷ نوامبر به تقویم جدید) طی سخنران خود در نشست شورای پتروگراد گفت وی معتقد است می توان به استفاده از حربه های واقعی ملایم علیه استثمارگران اکتفا کرد. لنین مخالفت خود را با آزمایش بدون آمیز یک جنگ داخلی اعلام نمود.

اما وقتی نیروهای مداخله گر خارجی وارد روسیه شدند، باعث تلفات و خسارات عظیمی گردیدند. ارتش سرخ حدود یک میلیون نفر از مبارزان خود را از دست داد. جمهوری شوروی در مجموع ۸ میلیون تلفات داد. انسان هایی که کشته شدند و یا بر اثر جراحات، بیماری های واکیردار و یا از گرسنگی جان سپردند.

س: اما ما را متهم می کنند که خشونت مان محدود به خونریزی نیست، بلکه همچنین احزاب دیگر منع شدند، نشریات دگراندیشان توقیف گردیدند و خود آنها به زندان فرستاده شدند.

ج: واقعیت کلی متفاوت از این بود. احزاب سیاسی بی دلیل ممنوع نشدند. آنها خودشان را ورشکست کردند، اعتماد مردم را از دست دادند و خود را منحل ساختند. تنها تابستان ۱۹۱۸ در روسیه شوروی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی دشمن پرولتاریا آزاد بود، تبلیغات بورژوازی نیز به فعالیت ادامه می دادند.

آنچه مربوط به زندانهای پرمی گردد، تنها از یک فاکت در این رابطه نام می برم: در تاریخ اول مارس ۱۹۱۸ در پتروگراد تنها ۱۸۷ زندانی سیاسی وجود داشت.

س: اما انقلاب بعد ها علیه مخالفان خود به اقدامات سخت متوسل شد. آیا در اینجا تناقض نیست: انقلاب آنچنان رفوفاه آغاز شد، و آنگاه به اقدامات سخت گیرانه و شدید متوسل گردید.

ج: در تاریخ اول ژانویه ۱۹۱۸، پس از یک میتینگ در استاد یوم اسید وانی میخائیلوسکی، یک سو قصد به جان لنین انجام گرفت. فریتس پلاتن کادر برجسته جنبش کارگری سوئیس و جهان، با پیکر خود، سپری برای لنین ساخت، و لنین تنها مجروح شد. در تابستان ۱۹۱۸، موج ترور علیه انقلاب آغاز گشت. سی ام اوت ۱۹۱۸، یک زن اس. ار. به نام کاپلان سو قصد جنایتکارانه ای به جان لنین انجام داد، و لنین باز هم مجروح شد. همان روز، موسی اورتیسکی رئیس "چکای" پتروگراد، به قتل رسید، و چند روز بعد انقلابی معروف ولودارسکی کشته شد. بیستم سپتامبر ۱۹۱۸، اس. ار. ها و مداخله گران انگلیسی در ترکمن صحرا، ۲۶ کبیر باکوئسی را تیر باران کردند.

از این رو، کمیته اجرایی مرکزی کل روسیه حکومت نظامی را اعلام، و شورای جنگی انقلابی جمهوری را بنیاد گذاشت. کشور، ناچار به شعار "بیروزی یا مرگ!" به مبارزه برخاست.

آیا "مدل روسی" وجود دارد؟

س: در غرب اغلب می گویند "کمونیسم لنینی" نمی تواند سرمشق دیگران قرار گیرد و حد اکثر به درد کشورهای عقب مانده می خورد.

ج: نخست به جنبه اصولی این سؤال بپردازیم. نباید تصور کرد سرمشق در تاریخ یعنی تکرار موه به موه، اما از لحاظ عام عمومی اجتماعی، در تاریخ سرمشق وجود دارد. برخی پدیده ها در جریان تکامل اجتماعی تکرار می شود.

همین امر در مورد انقلاب اکتر صادق است. وقتی اثر آن به عنوان سرمشق سخن می گوئیم، دو وجه اصلی را در نظر داریم. اولاً، انقلاب اکتر نشان داد انقلاب سوسیالیستی اجتناب ناپذیر، ضروری و

مشرعراست. ثانیاً، انقلاب اکتر بسیاری نخستین بار اصول پایه ای تحول سوسیالیستی جامعه را در عمل به نمایش گذارد.

می توانیم بگوئیم انقلاب اکتر در خود چندین انقلاب مختلف را پیوند داد: انقلابی سوسیالیستی - علیه سرمایه -، انقلابی دموکراتیک - علیه بقایای فئودالیسم - و یک انقلاب رهائی بخش ملی، این انقلاب از این طریق تجربیات گرانقدری برای بشریت - ارمنان آورد، تجربیاتی که در هیچ انقلاب سوسیالیستی دیگری در جهان نمونه آن دیده نشد.

ترجمه از "سوسیالیسم: تئوری و پراتیک" شماره نوامبر ۸۴



رویدادهای
جهان

جهان، شصت و هفتمین سالگرد انقلاب اکبر را جشن گرفت

شصت و هفتمین سالگرد انقلاب اکبر امسال نیز چون سالهای گذشته در سراسر جهان با شکوه و گستردگی شایسته این بزرگترین رویداد تاریخ بشر، جشن گرفته شد. عصر روز سه شنبه ششم نوامبر، آندره ای گرومیکو عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست، و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مراسمی که به مناسبت سالگرد انقلاب اکبر برپا شد، نطق مرسوم ایراد نمود. وی در این نطق، از جمله در باره مسائل گوناگون سیاست خارجی شوروی سخن گفت. وزیر خارجه شوروی در سخنان خود، بار دیگر تاکید کرد کشورش آماده است در مورد مسائل مربوط به خلع سلاح و همزیستی مسالمت آمیز، بطور جدی و صادقانه مذاکره کند تا توافق هایی که به منافع هیچ کس لطمه نزنند، حاصل گردد. "گرومیکو افزود اهم مسائل، محو خطر هسته ای است، وی افزود اتحاد شوروی آماده است اگر سایر قدرتهای هسته ای نیز چنین کنند، فوراً سطح همه سلاحهای هسته ای خود را منجمد سازد." آندره ای گرومیکو اظهار داشت اتحاد شوروی مایل به برقراری مناسبات عادی با جمهوری تودهای چین است. عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی از ایندیرا گاندی نخست وزیر فقید هند به عنوان شخصیت برجسته صلح دوست و آزادخواه تجلیل کرد.

صبح روز چهارشنبه هفتم نوامبر، رژه سنتی به مناسبت سالگرد انقلاب اکبر در میدان سرخ مسکو برگزار شد. پس از عبور دستجاتی از نیروهای مسلح شوروی، صدها هزار تن از مردم پایتخت با در دست داشتن پلاکاردهای بزرگی که از آخرین موفقیتهای آنها در تولید خبر می داد، و نیز پرچم ها، گل ها و کبوترهای صلح کاغذی از برابر مقبره لنین گذشتند. بسیاری از شعارها به لزوم پایان دادن به جنون هسته ای و محکوم ساختن سیاست تجاوزکارانه دولت امریکا اختصاص داشت. تظاهرات مشابهی نیز در سایر نقاط اتحاد شوروی برگزار گردید.

همان روز، دولت شوروی در کاخ کرملین ضیافت باشکوهی ترتیب داد. در این ضیافت رهبران حزب کمونیست، نمایندگان شوراهای عالی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی فدراتیو روسیه، نمایندگان سازمانهای اجتماعی، فرماندهان نیروهای مسلح، پیشگامان و نوآوران تولید، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان و قفاوردان شوروی حضور داشتند. از احزاب کمونیست و کارگری و نیز نمایندگی های سیاسی

مقبیه شوروی نیز شخصیت های برجسته ای براسرار شرکت، راین مراسم به مسکو رفتند. کنستانتین چرنکو دبیر کل حزب کمونیست در این ضیافت ضمن تبریک این سالروز بزرگ به همه حضار، گفت: "تأثیر انقلاب ما بر سیر حوادث جهان و بر سرنوشت بشریت، بسیار عظیم است. اهمیت پاینده و ابدی آن، قبل از هر چیز، همانگونه که لنین گفته، در این است که به تمام جهانیان راه به سوی سوسیالیسم را نشان داد. ما افتخار می کنیم که حزب ما و مردم ما پیشگامان ایجاد جامعه نوین هستند." رهبر اتحاد شوروی نیز عزم راسخ اتحاد شوروی به ادامه کوشش در راه دفع خطر بسروز جنگ که به بشریت سایه افکنده، را مورد تاکید قرار داد.

در سایر کشورهای جهان نیز، دولتها و نیروهای ترقیخواه شصت و هفتمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی را جشن گرفتند. در کشورهای سوسیالیستی، شخصیت های برجسته خزنی و دولتی در مراسم سالگرد انقلاب اکبر حضور یافته و سخنانی در باره اهمیت این رویداد بزرگ و نقش آن در تاریخ کشورشان ایراد نمودند. "خوزه رایمون ماچادو و تئوزو" عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا در مراسم باشکوه هاوانا اظهار داشت: "اتحاد شوروی از همان نخستین روزهای موجودیت خود، بدون احساس سستی در راه صلح جهانی می کوشد، و اکنون نیز در پیشاپیش همه، در راه مقابله با خطر بروز فاجعه هسته ای و قطع مسابقه تسلیحاتی اقدام می کنند." "هنری روتیز" وزیر برنامه ریزی نیکاراگوئه اظهار داشت: "هر سالروز انقلاب کیبیر سوسیالیستی اکبر حکم جشن بزرگی برای همه ملت هایی دارد که به خاطر استقلال، دموکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه می کنند."

رهبر حزب کمونیست اروگوئه به وطن بازگشت

شنبه سوم نوامبر، ردنی آریسمندی دبیر اول حزب کمونیست اروگوئه وارد مونتویدئو پایتخت این کشور شد و مورد استقبال دهها هزار تن از مردم که به فرودگاه آمده بودند، قرار گرفت. آریسمندی پس از ده سال تبعید، به وطن خود بازگشت. وی هنگام ورود، درودهای گرم خود را به همه میهن پرستان اروگوئه، صرف نظر از عقیده سیاسی آنها فرستاد و افزود اروگوئه پس از سالهای سیاه دیکتاتوری به وحدت هر چه گسترده تر همه مردم برای التیام زخم هایی نیازمند است که رژیم نظامی برپیکر کشور وارد آورده است.

شامگاه همان روز، آریسمندی در میتیگی با شرکت ده هزار نفر سخنرانی نمود. وی ضمن تقدیر از مبارزه مستکی ناپذیر کمونیست های کشور برای آزادی و دموکراسی گفت: "حزب ما از این امتحان سخت قدرتمندتر از گذشته بیرون آمده است." آریسمندی افزود حزب کمونیست اروگوئه در طی یازده سال دیکتاتوری

بر وجهه و اعتبار خود نزد زه متکشان و تناسام مردم افزوده و به عنوان حزب طبقه کارگر تثبیت گردیده است.

اتحاد شوروی در همبستگی
با معدنچیان اعتصابی،
ارسال مواد سوختی به بریتانیا
را متوقف ساخت

در آستانه هشتمین ماه اعتصاب بزرگ معدنچیان بریتانیا، الکساندر بیلوسوف دبیر اتحادیه کارگران معدن زغال سنگ اتحاد شوروی در ۲۹ اکتبر ۸۴ اعلام نمود: اتحاد شوروی به پشتیبانی از اعتصاب معدنچیان تحویل سوخت به بریتانیا را متوقف می کند. این تحریم شامل ارسال زغال سنگ و مواد سوختی دیگر خواهد بود.

او گفت که به ابتکار اتحادیه های شوروی تصمیم گرفته شده است که سازمانهای تجارت خارجی و حمل و نقل، صدور زغال سنگ به انگلستان را متوقف سازند.

بیلوسوف افزود: "سازمانهای تجارت خارجی شوروی می دانند که بر طبق قراردادها موجود، به دلیل توقف صادرات مجبور به پرداخت جریمه بصورت ارز غربی خواهند بود."

انتخاب مجدد ریگان

رونالد ریگان رئیس جمهور ایالات متحده امریکا طی انتخابات ششم نوامبر، برای چهار سال دیگر در سمت خود ابقا شد. وی ۵۹ درصد آرا را به خود اختصاص داد، و والت رماندیل، رقیب ریگان از حزب دمکرات، ۴۱ درصد رای آورد. بیش از ۴۰ درصد واجدین شرایط، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت نکردند. بدین ترتیب، ریگان تنها رای یک سوم مردم آمریکا را بدست آورد و اکثریت دارندگان حق رای، از برگزیدن وی خودداری کردند، اما ریگان توانست با استفاده از عدم وجود یک آلترناتیو واقعی، برنده انتخابات شود. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیش از آنکه پیروزی ریگان و حزب جمهوری خواه باشد، گواه بارزی بر ماهیت غیر دمکراتیک نظام سیاسی ایالات متحده است که در آن، خواست واقعی اکثریت مردم، در تعیین سیاست ها و مجریان آن نقش تعیین کننده ای ندارد. بسیاری از کسانی نیز که به ریگان رای دادند، تنها زمانی تصمیم به شرکت در انتخابات گرفتند که ریگان بر خلاف روش خود از آغاز دوره ریاست جمهوری، به لفاظی و سخن پردازی در دفاع از صلح، "خلع سلاح" روی آورد. روزنامه شوروی پراگ با اشاره به این امر می نویسد انتخابات ریگان جمله به علت قول دولت وی مبنی بر تلاش در راه خلع سلاح، به ویژه کاهش سلاح های هسته ای بود و اکنون این مهم است که آیا ریگان بدست ندای صلح خواهانه مردم آمریکا پاسخ خواهد داد یا نه.



کارگران

دربرابر اجحافات مدیران دولتی
مبارزه می کنند

در کارخانه کبریت سازی ۲۹ بهمن در تبریز پس از تعطیلات تابستانی، کارگران با خبر شدند که هیأت مدیره تصمیم گرفته است تا حق بهره وری کارگران را حذف نماید. کارگران که حق بهره وری را بخشی از دستمزد خود می دانند، به شدت اعتراض کرده و خواستار لغو این تصمیم گردیدند. آنها با برپایی یک گرد همایی دو نفر از میان خود برگزیدند تا با ایجاد هماهنگی، مساله را دنبال نمایند. اقدامات کارگران و نمایندگانشان، هیأت مدیره را به عقب نشاندن و وادار نمود تا با بخششی از حق بهره وری را بپردازد.

هیأت مدیره برای جبران این شکست چندی پس از آن در ۲۱ مرداد، دستور داد از ادامه کار پنج تن از کارگران جلوگیری شود. و نماینده کارگران نیز در میان این پنج نفر بودند. همه کارگران کارخانه با اعتراض شدید به این دستور هیأت مدیره در محوطه کارخانه متحصن شدند. آنها علاوه بر تحصن به اداره کار تبریز نیز شکایت کردند که البته بی نتیجه ماند. تحصن در روز ۲۳ مرداد نیز ادامه یافت. در پایان این روز به الحاق همسران کارگران به جمع متحصنین در محلی کارخانه، این حرکت اعتراضی، شو رو خروش تازه یافت. رئیس هیأت مدیره که ناگزیر به مذاکره با کارگران گردید، ابتدا کارگران را تهدید نمود و هشتاد ارد که بزودی نفرات سپاه پاسداران وارد شده و شدت عمل نشان خواهند داد. کارگران مرعوب این تهدیدات نشدند و پایمان تحصن را مشروط به لغو دستور اخراج نمودند. در پایان مذاکرات که تا نیمه های شب به دراز کشیده بود، مدیریت ناچار شد اعلام نماید که شرایط کارگران را می پذیرد و در پی آن تحصن خاتمه یافت و کارگران و همسرانشان به منازل خود بازگشتند.

فردای آن روز کارگران دریافتند که مدیریت از انجام وعده خود دستبرازی زند. با اینکه کارگران در روزهای بعد به دفعات به مسئولین کارخانه مراجعه و با آنها به مذاکره پرداختند اما نتوانستند مدیریت را وادار به پذیرش خواسته خود مبنی بر لغو دستور اخراج نمایند. در پی آن، حرکت اعتراضی کارگران به اشکال مختلف ادامه یافت و از جمله صندوقی ایجاد شد برای کمک به کارگران اخراجی. این اقدام مورد استقبال

شدید کارگران این کارخانه و اقم شده و همه آنها بدون استثناء مبلغی از درآمد ناچیز خود را به این صندوق اختصاص دادند تا نیازهای روزمره رفقای خود را تأمین نمایند.

بدون شرح

در تبریز یک کودک خردسال بنام علی آملی بر اثر بیماری درگذشت. علت بیماری را پزشکان سوء تغذیه تشخیص دادند. او عضو یک خانواده ۸ نفره بود. سرپرست خانواده بیکار بود. سازمان بهزیستی بخاطر مخارج ماهانه این خانواده فقط ۷۵۰ تومان به آنان پرداخت می کرد. ۷۵۰ تومان برای یک خانواده ۸ نفره! با این مبلغ حتی نان خشک و خالی هم تأمین نمی شد. همه زرد و نحیف شده بودند. کودکان یک به یک بیمار شدند. علی بالاخره آنقدر گرسنگی کشید تا مرد. حتی نان خالی را از او دریغ کرده بودند.

انجمن اسلامی در مدرسه

از آنجا که عضویت در انجمن اسلامی مدارس باعث تسهیل ورود در دانشگاه می شود، در سالهای گذشته برخی از دانش آموزان به عضویت در انجمن های اسلامی تن می دادند تا بتوانند ازسند تفتیش عقاید بگذرند. اما با تشدید نفرت عمومی از این گونه انجمن ها، حتی کسانی که می خواهند به هر قیمت وارد دانشگاه شوند کمتر حاضر می شوند. عضویت این انجمن را بپذیرند. گزارشات واصله از غالب دبیرستانها حاکی از نزول تنگدستی تعداد اعضا انجمن اسلامی است. مسئولان دبیرستان ارشد (واقع در تهران) وقتی مسئولین انجمن مشاهده کردند در سال جاری هیچ داوطلبی برای عضویت به آنها مراجعه نکرد، خود به سراغ دانش آموزان رفتند. آنها در ساعات درس و اردو کلاسها شده و پس از نطق غریبی از دانش آموزان خواستند برای عضویت در انجمن "داوطلب" شوند. اما علیرغم این تشبیهات حتی یک دانش آموز هم به تعداد قبلی انجمن اسلامی افزوده نشد. دانش آموزان دبیرستان ارشد عطای قبلی در کبک و راه لقای عضویت در انجمن اسلامی بخشیدند.

بازار کساد امام جمعه

در آشتیان نیز مانند دیگر نقاط کشور، بازار نماز جمعه کساد شده است. همه تبلیغات و تهدیدات برای کشاندن مردم به این مراسم راه بجایی نبرده است. در مرداد ماه جهش "توجه" مردم برای شرکت در نماز جمعه، امام جمعه شهر طی اطلاعی ای از تمام کارمندان آشتیان خواست تا برای شرکت در جلسه ای در منزل و حاضر شوند. اما در روز موعود تنها ده انگشت شماری

بر در منزل او حاضر شده بودند. امام جمعه با گمان اینکه پس از مدت تهاداین روز جلسه پررو نقی خواهد داشت، خود را آماده خطابه کرده بود. با دیدن این وضعیت با عصبانیت جلسه را تعطیل اعلام کرد و به حضار رخصت داد.

مجازات شکایت

"ناهارخوران" منطقه ای جنگلی است که در نزدیکی شهر گرگان قرار دارد. مردم گرگان با وجود اذیت و آزار سپاه و کمیت، مثل سابق در روزهای تعطیل در این محل به گردش می پردازند. کودکان در میان درختان و علف ها، بازی و جست و خیز می کنند. چندی پیش، دختر بچه ۹ ساله ای که در حین بازی در نهارخوران، روسریش کمی جا به جا شده بود، با عتاب و پرخاش پاسدارانی مواجه گردید که در آنجا پرسه می زدند. پاسداران به خاطر بی توجهی دخترک به "شئون اسلامی" او را مورد اهانت قرار دادند. پدر این کودک که یکی از معلمین شهر گرگان است، به حمایت از فرزند خود به آنان اعتراض کرد. اما پاسدارها با وقاحت این معلم رخصت کردند. نیز مورد هتاک قرار دادند. این شخص برای دادخواهی و اعتراض به این اهانت و آزار بی بند و بار، به حاکم شرع گرگان مراجعه و شکایت نمود. فتوی حاکم شرع با سرعت صادر شد. این معلم بخاطر این جسارت موقتاً در برابر ماورین و ۳۰۰ به ضربه شلاق محکوم شد!

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را

رقای فدایی در دلهی و رفیق بابک
تأمین کردند

AKSARIYAT

NO32

MONDAY NOV 12, 84

Address

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 88156
LOS ANGELES, CA 90086
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هندوستان

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!